اطلاعات ۱۳۰۵
*پنجشنبه ۳۱ خرداد ۱۴۰۳ * ۱۳ ذی الحجه ۱۴۴۵
*۱۹ ژوئن ۲۰۲۴ * سال نودوهشتم * شماره ۲۸۶۹۶
ettelaat.com ettelaatonline

خلوت انس

رمز آگاهی غدیر

ونوس جامی پور
شاعر

ساده و روشن و سر به زیر است
برکهٔ اشک چشم کویر است
شانه کن گیسوان غزل را
شب پریشان شالی حریر است
حلقهٔ هستی از سهم انسان
کوزه و کاسه و یک حصیر است
خواب غفلت، خیال رهایی
می رسد وقت پرواز و دیر است
کودک جهل و طبل تغافل
بین امروز و فردا اسیر است
شعلهٔ زندگی، شوق رویش
از مضامین داغ اخیر است
نور و نجوا، نگهدار نامش
نیک نسلی نجیب و نصیر است
راز و رمز عظیم الهی
وعدهٔ اتفاقی خطیر است
صاحب صبح آدینهٔ ما
دلربا و عزیز و دلیر است
شوکت سازمان ظهورش
مکتب و مرجعی دلپذیر است
هدهد عاشق و عاقل ما
سالم و سربلند و امیر است
رمز آگاهی و آشنایی
تا قیامت به دست غدیر است

دلشدگی

ابراهیم حسنلو
شاعر و نویسنده

ای شعله، بریزان من و دیوانگی ام را
مستانه برقصان من و پروانگی ام را
ای بخت، مدد کن که به دریای وجودش
پیوند زنم برکهٔ بیگانگی ام را
با خرمن این دلشده، ای شعله به رقص آی
ها!... هلهله کن داغ غریبانگی ام را
با پنجهٔ تو سازغزل می زنم ای ناب
مدیون توام دولت مستانگی ام را
یک پنجره لبخند فقط، معجزه کن تا
آباد کنی وسعت ویرانگی ام را

جان و جهان

من قصه ای که تا بلندای خود رفته است
یعنی قمارعشقم وخنیای انسانم
ومی توانست ازخودش بسیارترباشد
دیگرچراچیزی نمی خواهدنمی دانم
جانش یقیناً از جهانش دورافتاده است
یعنی که می خواهدبلندای شدن باشد
بردارد ازاندوه دنیابیکرانش را
دیری است در ویرانه های هیچ پنهانم
احساسی ازجنس یقین ازعشق درمن هست
ازجنس اندوهی که انسان را به مقصد می رساند
وقتی مجالی نیست، باید بیشترباشم
من هم فقط چندی دراین آیینه مهمانم
جامی که برمی دارد ازمن این جهانم را
آنگاه جانم رابه باغ بیکرانها می سپارد
جان را به آغوش شدنها می سپارد
جامی قمارعشق خواهدکرد باجانم
جامی که می بایست دینش رابه جای آرد
یعنی تمام خویشتن درعاشقی باشد
سرمستی وبهت وجنون وشعرونوش ورقص
ازعشق وجان و بیکران لبریز؛ من آنم

باخدا، دونفر

یکی نبود؛ یکی که باخدا دونفر
ازعشق وانسان گفت، جهان هلا دونفر
خدا درعشق شکفت، به خود مبارک گفت
که روح می شکفدهمیشه با دو نفر
جهان به خانه رسید، جهان دورکعت عشق
بهشت رقصان شد به نام ما دونفر
من وتو از آن جشن به عشق پیوستیم
طنین ولوله در فرشته ها دونفر
من وتو این همه زخم، من وتواین همه درد
کسی نمی گوید خدا چرا دونفر
من وتو را شب وروز، من و تو را مستی
خدا بریز فقط برای ما دونفر
دوباره قصهٔ نو کلاغ هم پرزد
دوباره عشق رسید به خانه با دونفر
به لحظه لحظهٔ ما خوش آمدی ای عشق
بدون تو نرسند به هیچ جا دونفر
قطار دیگری از حوالی انسان
رسید و گفت: گل اقاقیا دونفر!

باعشق

مثل لبخندهای سرگردان پرسه درکوچه های غمگینم
آفتابی درآستان غروب بهت واندوه وعشق؛ من اینم
عشق در من نمازمی خواند از ازل ابتدای بسم الله
داستان غریب انسان ها، وارث عهدهای دیرینم
زندگی را چراغ خواهم بود تاجهان عاشقانه ترباشد
باغ درباغ رنگ وموسیقی می وزد از دم نگارینم
جان خود را به شعرخواهم داد تا که پیغمبری برانگیزم
اول وآخرجهان عشق است، من مکلف به نشراین دینم
بامن آیینه ای که خورشیداست، هرچه راگفتنی است می گوید
که جزاین دوست داشتن ها، باغ رنگین تری نمی بینم
عطشی در گلوی طغیانم، عشق باید به دادمان برسد
خونم اززخم قرن ها جاری است، روبه دریای صبح رنگینم
زندگی راتمام خواهم داشت، مرگ چیزی درو نخواهد کرد
من که باعشق دولتم باقی است، من که ازتیرهٔ سلاطینم
من به دنبال ذات انسانم، من به دنبال خویش می گردم
عشق پیغمبری است می دانم می رساند مرا به بالینم
درد سرباز اول دنیا، عشق فرزین آخربازی است
سبزوخاکستری جهانم را همچنان عاشقانه می چینم

نگاهی به برخی از سروده های شاعران پارسی دربارهٔ عید غدیر خم

غدیر در جلوه گاه شعر فارسی

علی خوشه چرخ آرانی
استاد دانشگاه

اکثر شاعران شیعی و یا شاعرانی که گرایش خاص به تشیع اهل البیت داشته اند، همچون کسایی و ناصر خسرو و سنایی و فردوسی، در بیان فضل و فضیلت حضرت علی(ع) داد سخن سر داده اند و قصاید و اشعاری زیبا و وزین پرداخته اند و اگر به صراحت از غدیر خم یاد نکرده اند، ناشی از نفوذ قدرت های مخالف و معاند با موضوع غدیر و ولایت و وصایت و ایجاد فضای وحشت و خفقان توسط خلفای جور بوده است...

سرزمین ها هم بسان زمان ها و انسان ها سرگذشت شگفت انگیزی دارند که می توانند در گنجینه ذهن و جاویدگاه اندیشه ها و تاریخ سازی بشریت نامور و نامدار گردند. در فرهنگ دینی و اسلامی ما کوه طور، رود نیل، رود فرات، بعثت رسول اعظم(ص)، واقعه عاشورا و.... هر کدام باری از هدایت بشری را به دوش کشیده اند و جاودانه شده اند. به موارد موصوف، غدیر خم را هم می افزاییم که مکانی مقدس و رویدادی اثرگذار در تاریخ هدایت بشر و اتمام نعمت و اکمال دین خداست.

غدیر برکه تجلی بهار و نورانیت جاودانه شعاع ابدیت و رویش شبنم بر بال های سبزه های همیشه سبز و گزیده ترین جایگاه جوشش معنا و حقیقت و عرشه پرواز کبوتران ملکوت و پایگاه رنگین کمال و مشعل فروزان همیشه تاریخ و دریچه باز الهام شاعران حقیقت گراست تا جامع ترین واژه های تراویده از گلوی قلم را برای جاوید سازی و پایایی این واقعه به کار گیرند تا درخت پر ثمر امامت و ولایت در فروغ همه سینه های صادق قد بکشد و شاخ و برگ بدهد و دستان سبز و خورشیدی را در سراسر گیتی بپراکند و ثمره بیست و سه سال تلاش و زحمت رسول اعظم (ص) برای ترویج دین مقدس اسلام و رهایی انسان های در بند جاهلیت از پرتگاه خمود و جمود و رکود و ذلت بت پرستی به بار نشاند و اسلام و مسلمین را به ساحل آرام سعادت و خوشبختی و خوش وقتی برساند.

و بنابراین ضرورت داشت که تا آنچه که با رنج و زحمت فراوان حاصل شده است باقی بماند و آنچه را که خدای رحمان و رحیم فرمان داده است، جاری و ساری کرده و آخرین دستور الهی عملی شود که در این راستا ابلاغ ولایت و وصایت حضرت امیر (ع) که برای جانشینی شایسته ترین فرد و زبده ترین سردار و جامع جمیع فضائل نیک انسانی و الهی و ملکوتی است، ضروری و لازم بود. در انجام و تحقق این فرمان الهی رسول اعظم (ص) در روز پنجشنبه هجدهم ذی الحجه و در راه بازگشت به مدینه در صحرای جحفه و در کنار برکه غدیر فرمان داد تا از جهاز شتران منبری برپا کنند و آنگاه در جمع مردم حج گزار و پس از ادای سخنانی کوتاه، حضرت امیر (ع) را در میان جمع فراخواند و با صدای رسا فرمود: «من کنتُ مولاه فهذا علیٌ مولاه».

بعد از این جریان فرشته حامل وحی نازل و بشارت اکمال دین و اتمام نعمت را به رسول اکرم (ص) اعلام نمود و پیامبر نیز فرمودند: «اللّه اکبر علی اکمال الدین و اتمام النعمه وَ رَضی الرّب برسالتی و الولایة لعلیٍ مِنْ بعدی» و همگان برای تبریک به سوی حضرت علی (ع) شتافتند و «حسان بن ثابت» شاعر رسول خدا از پیامبر رخصت طلبید که اشعاری درباره این واقعه بسراید.. و چنین سرود:

یُنادیهم یَومَ الغدیر نبیهم بِخمٍ
واسمع بالرسول منادیاً

پیامبر آنها در روز عید غدیر در سرزمین خم به آنها ندا داد و چه ندا دهنده گرانقدری.

یَقُولُ فَمنْ مولاکم و ولّیکم
فقالوا و کمْ یبدوا هُناکَ التعامیا

فرمودند: مولا و ولی شما چه کسی است. پس همگی در آنجا به صراحت گفتند:

اَلهُکَ مَولانا و اَنْتَ ولیُنا
و کَمْ قرأنا فی الولایةِ عاصیاً

خدای تو مولای ماست و تو ولی ما هستی و در این مورد از ما هیچ عصیان ندیده ای.

فقال له قُم یاعلی فانّنی
رضیتک مِنْ بعدی اماماً و هادیاً

پس گفت برای آنها که یاعلی برخیز؛ به درستی که راضی شدم که تو پس از من امام و هدایت کننده باشی.

و این سان نخستین شعر درباره واقعه سرنوشت ساز غدیر سروده شد که امروزه در کنار روایات فراوانی که به دست ما رسیده است، بر اهمیت و بلند جایگاهی این رویداد دلالت دارد. اما آنچه در این مقال قابل ذکر است، این است که غدیر و ولایت حضرت علی (ع) به عنوان یک رویداد مهم و اثرگذار در تاریخ هدایت انسان ها از نظرگاه شاعران فارسی گوی، دور نمانده است و چه بسیارند اشعاری که علاوه بر ارزش ادبی و هنری، به دلیل آن که برخاسته از عمق عشق و ایمان و محبت شاعران به حضرت مولاست، جایگاهی رفیع یافته اند و به راستی که باید از کثرت شعر شاعران فارسی گوی را در خصوص این واقعه، اهمیت و شکوهمندی این رویداد بزرگ اسلام دانست که الحق پس از واقعه بعثت خاتم الانبیاء (ص)، برترین رویداد تاریخ حیات اسلام و انسان است.

و به همین دلیل است که اکثر شاعران شیعی و یا شاعرانی که گرایش خاص به تشیع اهل البیت علیهم السلام داشته اند، همچون کسایی و ناصر خسرو و سنایی و فردوسی، بر فضل و فضیلت حضرت امیر (ع) داد سخن را سر داده اند و قصاید و اشعاری زیبا و وزین پرداخته اند و اگر به صراحت از غدیر خم یاد نکرده اند، ناشی از نفوذ قدرت های مخالف و معاند با موضوع غدیر و ولایت و وصایت و ایجاد فضای وحشت و خفقان خلفای جور است. اما نگاهی به دواوین شاعران فارسی نشان می دهد که حکیم ناصرخسرو قبادیانی، شاعر نامور و اخلاق مدار قرن پنجم، در قصیده ای به اعتقاد استوار خود به خدا و رسول خدا و قرآن و قیامت و خاندان پاک پیامبر و عهد روز غدیر اشاره می نماید و می گوید:

بیاویزد آن کس به عذر خدای
که بگریزد از عهد روز غدیر
چه گویی به محشر اگر پرسدت
از آن عهد محکم شبر یا شبیر

و در جایی دیگر می گوید:

آگه نه ای مگر که پیمبر که را سپرد
روز غدیر خم ز منبر ولایتش

و در ابیاتی دیگر می سراید که:

بنگر که خلق را به که داد و چه گفت
روزی که خطبه کرد نبی بر سر غدیر
دست علی گرفت و بدو داد جای خویش
گر دست او گرفت جز از دست او مگیر

ذکر این نکته ضروری است که شاعرانی مانند «کسایی مروزی» که قبل از ناصر خسرو بوده اند، افضلیت حضرت علی (ع) بر دیگران از جهت علم، شجاعت، فصاحت، جود، جهاد و .... را یادآور شده اند:

لافتی الّا علی برخوان و تفسیرش بدان
یا که گفت و یا که داند گفت جز روح الامین
فضل زین الاصفیا، داماد فخر انبیا
کافریدش خالق خلق آفرین از آفرین

سنایی شاعر قرن ششم در کنار بیان فضایل حضرت علی (ع)، سروده ای طولانی بر اثبات ولایت و وصایت حضرت امیر (ع) دارد:

مر نبی را وصی وهم داماد
جان پیغمبر از جمالش شاد
نایب مصطفی به روز غدیر
کرده در شرع مرو را به امیر
خوانده در دین و ملک مختارش
هم در علم وهم علمدارش

دیگر شاعر قرن ششم «سوزنی سمرقندی» نیز در توصیف واقعه غدیر می سراید:

نگر که دست که بگرفت مصطفی به غدیر
که را امام خواند و فخر و زین و همام
امام آن که خدای بزرگ به روز غدیر
به فضل کرد به نزدیک مصطفی پیغام

«عطار نیشابوری» شاعر و عارف بزرگ ایرانی، واقعه غدیر و نصب حضرت امیر مؤمنان به خلافت و امامت را به زیبایی شرح می دهد و اینگونه می سراید:

یک روایت خوب از من گوش کن
جام از ساقی کوثر نوش کن
نقل دارم از ثقات با صفا
آن که روزی حضرت خیر الوری
چون که او برگشت از حج وداع
در غدیر خم مکان کرد آن مطاع
جبرئیل از حضرت عزّت رسید
نزل از حضرت به پیش او کشید
پیش او از پیش حق آورد پیک
آیه یا ایها بلّغ الیک
گفت ای اصحاب دادم راز ها
راز ها گویم از این دم برملا
هرچه می کردم نهان از اهل و عید
من بگویم چون که فرمان در رسید

ابن یمین قطعه سرابرجسته و نامور ایرانی در توصیف امام علی و اثبات وصایت ایشان می گوید:

آن را که پیشوای دو عالم علی بود
نزد خدای منزلتش بس علی بود
هر کس که مومن است به فرمان مصطفی
مولاش اگر عناد ندارد، علی بود

و نیز در سروده ای دیگر ابراز می دارد که:

مقتدای اهل عالم چون گذشت از مصطفی
ابن عم مصطفی رادان علی مرتضی
بهر اثبات امامت گردد قاضی عدل
علم وجود و عفت و مردیش بس باشد گوا

«بابا فغانی شیرازی» شاعر معروف ایران در قرن دهم، با بهره گیری از دو ترکیب «نص کلام» و «حکم خدا و قول رسول»، وقعه غدیر را یادآور می شود:

امام اوست به حکم خدا و قول رسول
امام اوست که قائم بود به حجت خویش
که مستحق امامت بود به نص کلام
چراغ عاریت از دیگری نگیرد وام

«صائب تبریزی» شاعر مشهور سبک هندی و تک بیت گوی ادبیات فارسی در قرن یازدهم نیز واقعه غدیر را برای مخاطبان تاریخ، این چنین یادآوری می کند:

آخر ز فیض ساقی کوثر تمام شد
عید غدیر شد به مقیمان این دیار

ضمن این که صائب در قصیده دیگری که قبل از قصیده فوق در دیوانش ثبت شده است، در مدح حضرت امیر می سراید:

چون لباس کعبه بر اندام بت زیبنده نیست
جز تو بر شخصی دگر نام امیرالمؤمنین

«وصال شیرازی» شاعر برجسته قرن سیزدهم، نزدیک به بیست مورد از غدیر خم یاد کرده و غدیریه های بلند و طولانی سروده است که در این مقال نمی گنجد. «قاآنی شیرازی» هم در تهنیت غدیر، قصیده ای طولانی دارد با این مطلع:

گفت که فردا مگر نه عید غدیر است
عیدی بادش چو بوی عود معطر

و در ادامه این قصیده، شرح واقعه غدیر را به سرایش می آورد:

بر شد و گفتا: «الستُ اولی منکم»
دست علی را پس گرفت و برافراخت
گفت که ای قوم بنگرید تناتن
هر کسی مولا منم علی اش مولاست
گفت ای قوم بشنوید سراسر
اوست پس از من به خلق سید و سرور

شمس الشعرا «میرزا محمد علی سروش اصفهانی» نیز واقعه غدیر خم را در اشعار خویش مورد توجه قرار داده است:

به پاس قدمت پیمان شه ولایت شد
که مست جام ولا از خم غدیر آمد
همچو احمد پای تا سرگوش باید شد تورا
تا توانی امتثال حکم داور داشتن

«ملک الشعرای بهار»، شاعر و روزنامه نگار نامور معاصر نیز در دیوان اشعار خویش، واقعه غدیر را مورد توجه قرار داده است:

در غدیر خم خطاب آمد ز حق بر مصطفی
تا علی را او ولی بر مهتر و کهتر کند
تا رساند بر خلایق مصطفی امر خدای
از جهاز اشتران از بهر خود منبر کند
گرد آیند از قبایل اندر آن دشت و نبی
خطبه بر منبر پی امر خلافت سرکند

«نیما یوشیج» هم در اشعار خویش، از غدیر و ولایت و وصایت حضرت امیر (ع) غافل نیست:

آن کس که ولایت تو را منکر شد
برتافت رخ از حقیقت و کافر شد
گر نور طریقتی است باشد روشن
کز پرتو ذات مصطفی ظاهر شد

این حرکت رو به رشد که از آغاز زایش و رویش شعر فارسی شروع شده بود با پیروزی انقلاب اسلامی به جریانی قوی در ادبیات معاصر مبدّل شد و همزمان با خیزش مردم ولایی ایران، شاعران معاصر هم با الهام- گیری از این واقعه اشعار زیادی را در اثبات ولایت و امامت و وصایت حضرت امیر (ع) سروده اند که به خاطر پرهیز از اطامه کلام، از ذکر جایگاه غدیر در شعر معاصر اجتناب می گردد.

ضمن این که «غدیریه ها» و اشعار مرتبط با ولایت حضرت امیر (ع) بسیار ناشمار است و چه بسیارند شاعرانی که از قالب های بلند شعر فارسی، همانند قصیده و مثنوی، برای ابراز اندیشه و احساس خویش و نمایان سازی عشق و مودّت و محبت به آستان مقدس حضرت امیر سود جسته اند که این موضوع، خود نشانه حساسیت و اصرار شاعران به توصیف و ضبط دقیق این رویداد است. مضاف بر این که اوضاع خطیر جهان حاضر ایجاب می کند که شاعران و نویسندگان در آثار خویش بکوشند تا زوایای ناگفته و ناپیدای این واقعه عظیم را بیان نمایند تا از این طریق شکوهمندی و عظمت این رویداد و از همه مهم تر پیام آن به گوش جهانیان برسد. زیرا اشعار غدیریه، غنی ترین ذخیرهٔ فکری و احساسی شیعی است و نمی توان رابطهٔ متقابل بین شعر فارسی و واقعه غدیر را انکار کرد. ادبیات فارسی باعث جاودانگی این رویداد گردید و واقعه غدیر، عامل تیمن و تبرّک شعر شیعی گردید تا شاعران فارسی گوی، قلم خویش را از سرسبزی چمن غدیر عاریه گیرند و امتی بیدار و بصیر در طول تاریخ بسازند.

یادداشت

شعر آیینی دین ورزی علوی

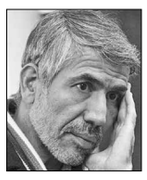

رضا اسماعیلی
شاعر و پژوهشگر ادبی

اشاره:

سرمایه و جانمایهٔ شعرعلوی روز گار ما حدیث دوستت دارم ها و اظهار ارادت شاعران به آن امام هُمام است؛ یعنی «مدح و منقبت» که در جای خود خوب و قابل ستایش است. اما در بیان علت این شیفتگی و دوست داشتن -آن گونه که شایسته و بایسته است- زبان شعر الکن است.

شعر علوی به صورت هنرمندانه باید به تبیین و تحلیل این مهم بپردازد که دوستدار علی کسی است که همچون «عمار» و «سلمان»، آن حضرت را اسوه و الگوی زندگی خویش قرار دهد و سبک زندگی علوی و سیرهٔ عملی آن حضرت را که بر پایهٔ توحید، یکتاپرستی و بندگی استوار است، برای خود برگزینند. آری، دلی که جای محبت علی است، باید از آلودگی نفس امّاره و وسواس شیاطین انس و جن پاک باشد.

اگر ادعای دوستی حضرت علی را داریم و می خواهیم در شمار مُحبان واقعی اش باشیم، باید در شعر علوی در کنار محبت، به «معرفت علوی» هم بپردازیم. این که علی که بود، چه کرد و چه می خواست؟ برای تحقق این مهم، سیمای راستین علی را نه در آیینهٔ غبار گرفتهٔ «غرض ورزی معاندان» و نه در باورهای خرافی غالی گران، بلکه در آیینهٔ بی غبار قرآن و نهج البلاغه، باید به تماشا بنشینیم. اینک ادامهٔ این مقال را پی می گیریم.

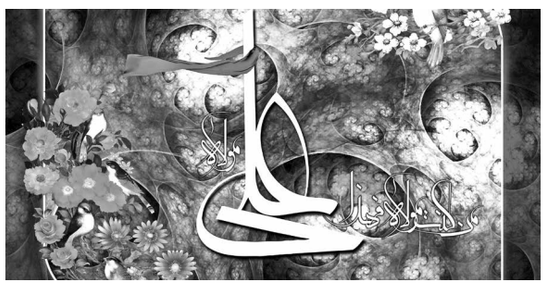

مؤلفه های دین ورزی علوی

مولا علی (ع) در نهج البلاغه و احادیث و روایاتی که از خود به یادگار گذاشته است، معیارهای دین ورزی اصیل را به شرح زیر برشمرده است:

۱- توحید و یکتاپرستی: برترین و والاترین نشانه دین ورزی علوی دعوت به توحید و «یکتاپرستی» است. شعار کلیدی و محوری اسلام و عصارهٔ تعالیم همه پیامبران از آدم تا خاتم چیزی جز شهادت به یکتایی ذات اقدس پروردگار نیست. حضرت در بیان توحید الهی چنین می فرماید: «أَوَّلُ الدِّینِ مَعْرِفَتُهُ وَ کَمَالُ مَعْرِفَتِهِ التَّصْدِیقُ بِهِ وَ کَمَالُ التَّصْدِیقِ بِهِ تَوْحِیدُهُ وَ کَمَالُ تَوْحِیدِهِ الْإِخْلَاصُ لَهُ وَ کَمَالُ الْإِخْلَاصِ لَهُ نَفْیُ الصِّفَاتِ عَنْهُ لِشَهَادَةِ کُلِّ صِفَةٍ أَنَّهَا غَیْرُ الْمَوْصُوفِ وَ شَهَادَةِ کُلِّ مَوْصُوفٍ أَنَّهُ غَیْرُ الصِّفَةِ.... سرآغاز دین، خداشناسی است، و کمال شناخت خدا، باور داشتن، او، و کمال باور داشتن خدا، شهادت به یگانگی اوست و کمال توحید اخلاص، و کمال اخلاص، خدا را از صفات مخلوقات جدا کردن است.../نهج البلاغة، خطبه اول».

۲- عبودیت و بندگی: «ابو بصیر» به نقل از امام باقر (ع) می گوید: «از جمله دعاهای امیر المؤمنین (ع) این بود: ای خدای من! همین عزّت مرا بس که بنده توأم، و همین افتخار مرا بس که تو پروردگار منی. ای خدای من! همان گونه که من دوست دارم، تو از آن منی؛ پس مرا به آنچه دوست داری موفّق بدار.»

بعد از توحید و یکتاپرستی، اولین درسی که از مکتب علی باید آموخت، «ادب و آداب» بندگی است. ما نیز اگر خود را مُحب و دوستدار علی می دانیم، باید از آن امام هُمام در اولین قدم «درس بندگی» بیاموزیم. یقیناً اگر خروجی محبت و ارادت به علی و بزرگان دینی، تبعیت و پیروی عملی، عبودیت و بندگی، ترک معاصی و انجام واجبات نباشد، باید در روش و منش مسلمانی و سلوک دینی خود تجدید نظر کنیم، و رسالت شاعران آیینی چیزی جز این نیست که جان و جهان مخاطب را با این دقیقه آشنا کند.

۳- نقدپذیری و اصلاح گری: امام علی در مقام خلیفه مسلمین در کمال صراحت خطاب به مردم می فرماید: «ای مردم! با من همانند گردن کشان سخن مگویید و آن گونه که از افراد خشمگین، کناره گیری می شود، دوری مجویید و با ظاهرسازی با من سخن مگویید. گمان نبرید اگر سخن حقی به من بگویید، بر من گران آید.» و ادامه می دهد:

«فلا تکفّوا عن مقالة بحق او مشورة بعدل فانّی لست فی نفسی بفوق ان اخطیء ولا آمن ذلک من فعلی: از گفتن حق یا مشورت در اجرای عدالت خودداری نکنید؛ زیرا من خود را برتر از آن نمی دانم که اشتباه نکنم و از آن در امان باشم./ نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶».

این سخن به معنای پذیرش حق انتقاد و اعتراض امت از سوی خلیفه مسلمین است. در واقع امام با این سخن می خواهد امت را به انتقاد از خویش دعوت کند تا حق انتقاد و اعتراض به حکومت توسط حاکمان غیرمعصوم، به رسمیت شناخته شود.

۴- معرفت دینی: «أَوَّلُ الدِّینِ مَعْرِفَتُهُ؛ سرآغاز دین، خداشناسی است. / نهج البلاغه، خطبه ۱». براساس آموزه های اصیل دینی، روایات و احادیثی که از معصومین (ع) برای ما به یادگار مانده است، در این اصل نمی توان تردید کرد که محبت و اعتقادی که بدون پشتوانهٔ معرفت و عقلانیت باشد، در نهایت سر از جمود، تحجّر، و مقدس مآبی درمی آورد. چنان که پیامبر مکرّم اسلام (ص) می فرماید: «من عمل علی غیر علم کان مایفسد اکثر مما یصلح: کسی که بدون شناخت عمل کند، خراب کردنش بیشتر از درست کردن اوست.» (محاسن، ج۱، ص۳۱۴)

۵- ترک گناه: «مِلَاکُ الدِّینِ مُخَالَفَةُ الْهَوَی؛ معیار دین، مخالفت با هوای نفس است./ علی بن محمدلیثی واسطی، عیون الحکم والمواعظ، ج ۲، ح ۹۰۵۶».

۶- عمل صالح: «بِالصَّالِحَاتِ یُشْتَدَلُ عَلَی الْإِیمَانِ: با عمل های صالح، به ایمان کسی استدلال می شود؛ یعنی عمل صالح، دلیل دین داری است. / نهج البلاغه، خطبه ۱۵۶».

۷- اهتمام به واجبات: «مَا أَوْهَنَ الدِّینَ کَتَضْیِیعِ الْفَرَائِضِ؛ هیچ چیز، مانند تباه ساختن واجبات، دین را سست نمی کند./ علی بن محمد لیثی واسطی، عیون الحکم والمواعظ، ج ۲، ح ۸۸۶۸».

۸- راستگویی و امانت داری: «أَدِّ الْأَمَانَةَ إِذَا ائْتُمِنْتَ وَلَا تَتَّهِمْ غَیْرَکَ إِذَا ائْتَمَنْتَهُ فَإِنَّهُ لَا إِیمَانَ لِمَنْ لَا أَمَانَةَ لَهُ؛ اگر امین شمرده شدی، امانت را برگردان و اگر کسی را امین قرار دادی، به او تهمت مزن. همانا کسی که امانت ندارد، ایمان ندارد.» (علی بن محمدلیثی واسطی، عیون الحکم والمواعظ، ج۱، ح ۲۲۱۶)

۹- وفای به عهد: «مِنْ دَلَائِلِ الْإِیمَانِ الْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ؛ از نشانه های ایمان، وفای به عهد است.» (علی بن محمدلیثی واسطی، عیون الحکم والمواعظ، ج ۲، ح ۸۷۲۴)

۱۰- فداکردن دنیا برای دین: «لَا تُصْلِحُ دُنْیَاکَ بِمَحْقِ دِینِکَ فَتَکُونَ مِنَ الْأَخْسَرِینَ أَعْمَالًا؛ با نابودکردن دینت، دنیای خودت را آباد مکن که از زیان کارترین افراد خواهی بود.» (نهج البلاغه، نامه ۴۳)

۱۱- دوستی و دشمنی در راه خدا: «الْمُؤْمِنُ مَنْ کَانَ حُبُّهُ لِلَّهِ وَبُغْضُهُ لِلَّهِ وَأَخْذُهُ لِلَّهِ وَتَرْکُهُ لِلَّهِ؛ مؤمن، کسی است که دوستی و دشمنی و گرفتن و نگرفتنش، برای خدا باشد.» (تمیمی آمدی، غُرر الحکم ودُرر الکلم، ح ۹۰۳۱.[۳۲]. همان، ح ۱۷۴۲)

۱۲- تعادل در حال خشم و رضا: ثَلَاثٌ مَنْ کُنَّ فِیهِ فَقَدْ أَکْمَلَ الْإِیمَانَ: الْعَدْلُ فِی الْغَضَبِ وَالرِّضَا، وَالْقَصْدُ فِی الْفَقْرِ وَالْغِنَی، وَاعْتِدَالُ الْخَوْفِ وَالرَّجَاءِ؛ یعنی سه چیز است که در هرکس باشد، ایمانش را کامل ساخته است: عدالت در حال غضب؛ رضا و میانه روی در حال فقر و ثروتمندی؛ توازنِ بیم و امید.» (علی بن محمدلیثی واسطی، عیون الحکم والمواعظ، ج۱، ح ۴۵۷۳)

۱۳- دین داری واقعی، نه زبانی: «وَصَارَ دِینُ أَحَدِکُمْ لُعْقَةً عَلَی لِسَانِهِ؛ دین هر یک از شما، لقلقه زبانش شده است.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۳)

۱۴- ظلم ستیزی: از توصیه های حضرت علی (ع) در بستر شهادت، حمایت از مظلوم و مبارزه با ظالم بود: «کُونَا لِلظَّالِمِ خَصْماً وَلِلْمَظْلُومِ عَوْناً.» (نهج البلاغه، نامه ۴۷)

۱۵- مردم داری و پرهیز از مردم آزاری: از شاخصه های واضح و حتمی دین داری، پرهیز از آزار رساندن به مسلمانان است. پیامبر خدا (ص) فرمود: مسلمان، کسی است که مسلمانان از دست و زبان او در امان باشند: «الْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَیَدِهِ.» (محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ح ۸۷۷۸)

۱۶- مبارزه با خرافه و گزافه: دین مبین اسلام بر پایه دانایی، دانش اندوزی و خردورزی استوار است و «عقل» یکی از حجت های چهارگانه در کنار «کتاب» و «سنت» است. به همین خاطر، خداوند در اکثر آیات قرآن ما را به «فهم عمیق از دین»، و تعقل و تامل در عالم آفرینش و آیات هستی فرامی خواند.

خوب است بدانیم که در قرآن، واژه «علم» نزدیک به ۷۸۰ بار، واژه «عقل» ۴۹ بار، واژه «تفکر» ۱۸ بار، و واژه «تدبر» ۴ بار به کار برده شده است که حکایت از جایگاه رفیع اندیشه ورزی و عقل در جهان بینی اسلامی دارد. امام علی (ع) در حدیثی می فرماید: «النَّاسُ أَعْدَاءُ مَا جَهِلُوا: مردم دشمن چیزی هستند که نمی دانند». نادانی و جهل زمینه ساز شکل گیری خرافات و باورهای غلط و غیرعقلانی است، و دعوت به عقلانیت و اندیشه ورزی، راه مقابله با جهل و خرافات. و جای تأسف و دریغ است که دقایقی از این دست در شعر آیینی و علوی روز گار ما- به هر علت- کمتر مورد توجه شاعران قرار گرفته است.